Analytical study of the role of mosques and holy places in the identity of urban neighborhoods (case study of Sichan and Pachenar neighborhoods)

Peyman Baqeri[1]

Abstract

Religious spaces in Iranian cities have always played social, cultural, and identity roles beyond their religious function. As one of the oldest and most religious cities in Iran, the city of Isfahan is considered a suitable platform for interaction between religion and social identity due to its neighborhood-based structure and density of religious spaces. In the traditional context of this city, mosques and holy places have been not only places of worship and religious ceremonies, but also centers of social decision-making, charitable activities, and maintaining neighborhood ties. These spaces have gradually become centers of neighborhood identity and collective memory. Accordingly, the present study aims to analyze the role of mosques and holy places in giving identity to urban neighborhoods in Isfahan, with an emphasis on the neighborhoods of Sichan and Pachenar. Research Method: The research method is descriptive-analytical with a historical approach based on written sources and oral history research from the residents of these neighborhoods. Findings and results: The findings show that these spaces, in addition to their religious function, are a platform for strengthening trust, creating social networks, and perpetuating cultural values. As a result, strengthening the role of religious spaces in urban policymaking can pave the way for the revival of local identity and cultural sustainability in Iranian cities..

Keywords: Mosque, Holy places, Urban identity, Social capital, Isfahan.

1. PhD student in Revolutionary History, University of Hamedan, lecturer at Farhangian University
peymanbagheri065@gmail.com

دراسة تحليلية لدور المساجد والأماكن المقدسة في هوية الأحياء الحضرية

(دراسة حالة لأحياء سيجان وباجنار)

پیمان باقری[1]

الخلاصة

لطالما لعبت الأماكن الدينية في المدن الإيرانية أدواراً اجتماعية وثقافية وهوية تتجاوز دورها الديني. باعتبارها واحدة من أقدم المدن وأكثرها تديناً في إيران، تعتبر مدينة أصفهان ارضية مناسبة للتفاعل بين الدين والهوية الاجتماعية نظراً لبنيتها القائمة على الأحياء وكثافة الأماكن الدينية فيها. في السياق التراثي لهذه المدينة، لم تكن المساجد والأماكن المقدسة مجرد أماكن للعبادة والشعائر الدينية، بل كانت أيضاً مراكز لصنع القرار الاجتماعي، والأنشطة الخيرية، والحفاظ على العلاقات بين الأحياء. وقد أصبحت هذه الأماكن تدريجياً مراكز لهوية الأحياء وذاكرتها الجماعية. وبناءً على ذلك، تهدف هذه الدراسة إلى تحليل دور المساجد والأماكن المقدسة في إضفاء الهوية على الأحياء الحضرية في أصفهان، مع التركيز على حيي سيجان وباجنار.

منهج البحث: منهج البحث وصفي تحليلي ذو نهج تاريخي يعتمد على المصادر المكتوبة والبحث في التاريخ الشفوي من سكان هذه الأحياء.

النتائج والاستنتاجات: تُظهر النتائج أن هذه الأماكن، بالإضافة إلى وظيفتها الدينية، تُشكّل منصةً لتعزيز الثقة، وبناء شبكات اجتماعية، والحفاظ على القيم الثقافية. ونتيجةً لذلك، فإن تعزيز دور الأماكن الدينية في صنع السياسات الحضرية من شأنه أن يمهد الطريق لإحياء الهوية المحلية والاستدامة الثقافية في المدن الإيرانية.

الكلمات المفتاحية: مسـجد، أماكن مقدسـة، هوية حضرية، رأس المال الاجتماعي، أصفهان، حي سيجان، حي باجنار.

١.طالب دكتوراة في تاريخ الثورات بجامعة همدان، ومُدرّس في جامعة فرهنگيان
peymanbagheri065@gmail.com

بررسی تحلیلی نقش مساجد و اماکن متبرکه در هویت بخشی محلات شهری
(مطالعه موردی محلات سیچان و پاچنار)

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰

پیمان باقری[۱]

چکیده

فضاهای مذهبی شهرهای ایران همواره فراتر از کارکرد عبادی، نقش‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی ایفا کرده‌اند. شهر اصفهان به‌عنوان یکی از کهن‌ترین و مذهبی‌ترین شهرهای ایران، به‌دلیل ساختار محله محور و تراکم فضاهای مذهبی، بستر مناسبی برای تعامل میان مذهب و هویت اجتماعی به شمار می‌آید. در بافت سنتی این شهر، مسجد و اماکن متبرکه نه تنها محل عبادت و برگزاری آیین‌های دینی، بلکه مرکز تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، فعالیت‌های خیریه و حفظ پیوندهای همسایگی بوده‌اند. این فضاها به مرور به کانون‌های شکل‌دهنده هویت محله و حافظه جمعی تبدیل شده‌اند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش مساجد و اماکن متبرکه در هویت‌بخشی به محلات شهری اصفهان با تأکید بر محلات سیچان و و پاچنار انجام شده است.

روش تحقیق: روش پژوهش توصیفی ـ تحلیلی با رویکرد تاریخی بر اساس منابع کتبی، پژوهش‌های تاریخ شفاهی از اهالی این محلات می باشد.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌ها نشان می‌دهد این فضاها، افزون بر کارکرد مذهبی، بستر تقویت اعتماد، ایجاد شبکه‌های اجتماعی و استمرار ارزش‌های فرهنگی‌اند. در نتیجه، تقویت نقش فضاهای مذهبی در سیاست‌گذاری شهری می‌تواند زمینه‌ساز احیای هویت محلی و پایداری فرهنگی در شهرهای ایران باشد.

واژگان کلیدی: مسـجد، اماکن متبرکه، هویت شـهری، سرمایه اجتماعی، اصفهان، محله سیچان، محله پاچنار.

۱.دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب دانشگاه همدان، مدرس دانشگاه فرهنگیان
peymanbagheri065@gmail.com

۱. مقدمه

در شهرهایی چون اصفهان که ساختار محله‌ای تاریخی دارند، اماکن و مساجد به منزله نهادهای اجتماعی چندوجهی عمل کرده‌اند؛ نهادهایی که در کنار کارکرد دینی، نقش آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی نیز ایفا می‌کنند. این کارکردها با مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی انطباق دارد. اعتماد اجتماعی: اعتماد مردم به روحانیون، هیئت‌امنا و مدیران مسجد در امور محلی و خیریه‌ها؛ شبکه‌های اجتماعی: ارتباطات منظم میان هم‌محله‌ای‌ها از طریق مراسم دینی و اجتماعی؛ هنجارهای متقابل: تعهدات اخلاقی و کمک‌های دوطرفه میان اعضای مسجد؛ مشارکت اجتماعی:حضور فعال مردم در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های جمعی؛ هویت جمعی: احساس تعلق به مسجد.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل نقش مساجد و اماکن متبرکه در هویت‌بخشی به محلات سیچان و پاچنار شهر اصفهان و تبیین کارکرد آن‌ها به مثابه سرمایه اجتماعی انجام شده است. سؤال اصلی این است که چگونه سرمایه اجتماعی نهفته در این فضاها، به تقویت هویت محله‌ای و استمرار ارزش‌های فرهنگی و دینی در بافت شهری اصفهان یاری رسانده است.

۲. پیشینه تحقیق

در این خصوص تاکنون مقالاتی در جنبه‌های مختلف به چاپ رسیده است که هرکدام به جنبه‌ای از عملکرد و کارکرد اماکن متبرکه و مقدس در جامعه و محلات پرداخته اند. از این جمله می توان به کتاب محله سیچان و پاچنار (با تکیه بر تاریخ شفاهی و منابع مکتوب تالیف پیمان باقری، معصومه گودرزی و سید عبدالمهدی رجایی (۱۴۰۲) که در این اثر نویسندگان به وجه ها مختلف محه سیچان و پاچنار می پردازند. مقاله جایگاه مساجد در هویت بخشی به محلات و فضاهای شهری تالیف جواد اکبری و فاطمه قاسمی (۱۴۰۲) اشاره کرد که نویسندگان بیشتر به کالبد، جانمایی، و نحوه چیدمان فضاها و سایر عناصرِ شهری می پردازند. محمد تاجی و محیا قوچانی(۱۳۹۹) در مقاله تبیین نقش فرهنگی مسجد در توسعه هویت اسلامی و ارتقای پایداری اجتماعی محله به بررسی نقش مسجد امام سمنان می پردازند. هم چنین پیربابائی و ربیعی فر به بررسی تبیین نقش مساجد در ارتقاء سطح کیفیت زندگی ساکنین محلات شهر ایرانی- اسلامی (مطالعه موردی: مسجد

حسینیه اعظم، در محله حسینیه شهر زنجان) پرداخته اند. Matthew R. Bennett (۲۰۲۱) در مقاله Effects of neighbourhood religious diversity and religious and national identity on neighbourhood trust نیز به ارتباط تنوع مذهبی، هویت دینی و تأثیر آن بر اعتماد محله پرداخته است. ویندر و همکاران وی در مقاله Ethno-religious neighbourhood infrastructures and the life satisfaction of immigrants and their descendants in Germany به بررسی جایگاه مؤسسات مذهبی در محلات مهاجرنشین آلمانی می‌پردازند. با این وجود در خصوص هویت بخشی نقش مساجد و اماکن متبرکه در محلات شهری اصفهان تاکنون پژوهشی مستقل انجام نشده است.

۳. سیچان در گذر تاریخ[۱]

در مورد روستای سیچان پیش از دوره صفوی، تنها نامی از آن در بعضی منابع وجود دارد. در طرح توسعه شهر اصفهان به زمان شاه عباس اول، منطقه جنوبی رودخانه زاینده رود با کوچاندن ارامنه بیش از بیش مورد توجه قرار گرفت. شاه صفوی طی فرمانی در این منطقه، از املاک خاصه سیچان، قینان و مرقون زمین هایی را در اختیار ارامنه برای اسکان قرار داد(درهوهانیان، ۱۳۷۹: ۲۵؛کازاما، ۱۳۸۰: ۹۳؛ افشار، ۱۳۸۰، ج۳: ۳۲۹).

در نیمه دوم حکومت قاجری، با حاکمیت ظل السلطان در شهر اصفهان، ویرانی های زیادی بر این شهر تحمیل گردید که یکی از این موارد خیابان چهارباغ بود. با وجود اینکه تغییراتی در محدوده تعدادی از محلات شهر ایجاد گردید؛ با این وجود، محدوده محله سیچان دست نخورده باقی ماند. متأسفانه خانه‌های قاجاریه محله از میان رفته است. تنها یادگار باقی مانده از آن دوران تکیه سیچان در قلب محله می‌باشد که در بخش معماری محله به آن پرداخته می‌شود. در حال حاضر موقعیت نسبی محل سیچان از سمت شمال به خیابان نظر شرقی، از جنوب به خیابان شریعتی شرقی، از شرق به چهارباغ بالا و از سمت غرب به خیابان توحید محدود می شود. اهالی محله، سیچان را مستطیل طلایی می‌نامند که چهار طرف آن را محلات مدرن شهر فرا گرفته است(باقری، گودرزی و...، ۱۴۰۲: ۲۰).[۲]

۴. عناصر اصلی محلات

برای پی بردن به هویت محلات سنتی ایران باید بدانیم که شهرهای قدیمی ایران در گذشته به چند محله تقسیم می شدند که هر شهر و محله دارای یک یا چند مرکز کوچک بود. به طور کلی سازمان کالبدی شهرهای قدیم ایران معمولاً بر ۴ اصل پایه‌ای: مرکز شهر، مراکز محلات شهر، همراه با یک رشته فضاها و عناصر ارتباط‌دهنده، گذر اصلی و سرانجام میدان، تکیه یا حسینیه طراحی می‌شد(کیانی، ۱۳۸۶: ۱۵۷؛ توسلی، ۱۳۶۶: ۸۱).

۱. روند رشد و گسترش این محله از دوره صفویه تا زمان حاضر به طور اختصار بیان می‌شود.

۲.. با احداث خیابان توحید در میان محله سیچان، یک محدوده مشخصی برای این محله و محله پاچنار به وجود آمد. به همین دلیل در تعیین محدوده جغرافیایی سیچان، موقعیت فعلی این محله مورد توجه قرار می‌گیرد. البته ناگفته نماند که در اکثر موارد، تفاوتی میان دو محله در گذشته وجود نداشت و هر دو به سیچان معروف بودند.

محله‌های اصیل اصفهان نیز بر پایه همین ترکیب با هماهنگی عناصر مادی و معنوی شکل گرفتند. عناصری چون مادی‌های جاری که همچون رگ‌های حیاتی، آب و طراوت را در کالبد محله به گردش درمی‌آوردند و باغ‌ها و طبیعت سرسبز اطراف آن که فضایی آرام و زیست‌پذیر پدید می‌آورد. در کنار این جلوه‌های طبیعی، فضاهای عمومی هم‌چون تکیه‌ها، مساجد، حمام‌ها و.... بعد اجتماعی و معنوی زندگی را تقویت می‌کردند و زمینه‌ساز پیوند و تعامل اهالی محل می‌شدند. این مجموعه‌ی درهم‌تنیده از عناصر طبیعی و فرهنگی، روح محله را می‌ساخت و آن را به بستری زنده برای شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، هویت جمعی و مشارکت مردمی بدل می‌کرد.

۱ـ۴. تکیه سیچان

برای درک بهتر جایگاه تکیه در ساختار محله‌ای شهرهای سنتی ایران به خصوص اصفهان، نخست به شرح این واژه و سپس کاربرد کلی آن می‌پردازیم. واژه تکیه برگرفته از فعل «توکّأ» یا «دکأ» و «اتکأ» عربی است که به معنای تکیه کردن بر چیزی و نیز جایی که در آن درویشان خانه می‌کنند. در ادبیات فارسی تکیه به معنای بالش و چیزی که بر آن تکیه می‌زنند، مکان قرار گرفتن فقیران و به مجاز پشت و پناه، مکان آرمیدن، تکیه‌گاه و پشتی، حسینیه که در آن روضه‌خوانی و تعزیه‌داری کنند. به مرور زمان کاربرد واژۀ تکیه به عنوان خانۀ عبادت و جای برگذاری آیین‌های صوفیانه و جای اقامت درویشان گشت.(دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱۶، کیانی، ۱۳۶۹: ۱۸۰-۱۸۱). بر اساس تعریف فوق مشخص می‌شود که نخست افراد بی بضاعت در مکان‌هایی به نام تکیه اقامت داشتند که مامنی برای آن‌ها به حساب می‌آمد. ولی به مرور این مکان ها با عنصر مذهبی تلفیق گردید و به مکانی برای برگزاری مراسم های صوفیان تبدیل گشت(باقری و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۵۰).

نخستین بار در جهان اسلام، تکیه به معنای اقامتگاه صوفیان به کار رفته و با مکان‌های دیگری هم‌چون رباط، زاویه، خانقاه، دُوَیره و لنگر مشابهت داشته است (کیانی، ۱۳۶۹: ۱۰۰، ـ۱۸۱؛ شریف یوسف، ۱۹۸۲: ص ۴۷۶). به مرور زمان و با مذهب و طریقت، یا به عبارت دیگر نزدیکی مذهب و تصوف به یکدیگر، از تکیه برای برگزاری مراسم عزاداری و روضه‌خوانی و نمایش‌های مذهبی استفاده می‌کرده‌اند. این زمان علی‌التحقیق باید سال‌های اواخر دورۀ صفوی، یا آغاز دورۀ زندیان بوده باشد. با نقل متن کتیبه‌ای به تاریخ ۱۲۰۲ق/ ۱۷۸۸م ـــ که هانری ماسه از منزلگاهی در استراباد رونویس کرده است ـــ می‌نویسد: در آن ناحیه صحن تکیه‌ای برای اجرای مراسم سوگواری امام حسین(ع) ساخته بودند. نوشتۀ این کتیبه توسعۀ آیین‌های مذهبی و در آن میان ظاهراً تعزیه‌خوانی را در سال‌های پایانی سلطنت زندیان در ایران و ساختن جایگاهی ویژه برای این گونه نمایش‌های مذهبی را نشان می‌دهد.(دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج۱۶).

غریب پور در خصوص اهمیت جایگاه تکیه می نویسد: ««تکیه، تماشاخانه‌ای است مذهبی خودی و ملی و منطبق بر تمامی نیازهای یک اجرا و گوناگونی و تنوع ساختمان تکیه‌ها گواه این حقیقت است که معمار و نمایشگر با درک صحیح از اتفاقی که در حوزه وسیع‌تری به نام اجتماع و دین در آن شریکند و با درک متقابل از یکدیگر زمینه پدید آمدن صحنه و تماشاخانه مقدسی را به وجود آورده‌اند که نه نمایشگر نه تماشاگر و نه عوامل هر دوی آن‌ها در این مکان خودی احساس

بیگانگی نمی‌کنند.»(غریب پور، بی‌تا: ۶۰). بر این اساس تکیه یا حسینیه یکی از عناصر شکل‌دهندهٔ محله‌های شهرهای سنتی ایران به شمار می‌رفت. دو نظر در مورد ساخت تکیه ها وجود دارد. ۱. صرف نظر از ویژگی های شکلی تکیه ها، وجود آیین‌هایی در میان اهل تشیع برای بزرگداشت حماسهٔ حسینی(ع) از دوران ائمه، دلیل ساخت تکیه‌ها بود. در این راستا حداقل دو ویژگی برای مکان فوق بیان می‌شود.

الف. ایجاد بستر مناسب انسانی: برای حضور مخاطبان یا مؤمنان بدون نیاز به تبلیغ و جذب مخاطب.

ب. ایجاد بستر مناسب کالبدی: فضایی با پلان آزاد (بدون تقسیم بندی به حجره ها) و تنها با ردیفی از ستون‌ها یا حیاطی که حتی این محدودیت را نیز ندارد و لذا تجمع افراد را در شیوه‌های مختلف عزاداری ممکن می‌کند(ناری قمی، ۱۳۹۵: ۲۸).

نظر دیگر ساخت تکیه را در ابتدا به صوفیان نسبت می‌دهد؛ این مکان متناسب با اجاری مناسک اهل تصوف و درویشان ساخته شده بود. این روند حتی در دروه صفویه که مذهب تشیع اوج گرفت؛ هم چنان ادامه یافت و در زمان شاه عباس دوم تکیه‌های تازه‌ای برای صوفیان بنا شد(کجباف و باقری، ۱۳۹۳: ۸۰). شاردن می نویسد که در ایران دو نوع خانقاه یا تکیه وجود داشت؛ یکی شخصی که برخی افراد وارسته و دل از دنیا بریده برای گوشهنشینی خویش می‌ساختند و دیگری خانقاههای عمومی که بعضی بانیان خیر برای استفاده عموم عزلتگزینان بنا می کردند(شاردن، ۱۳۷۲، ج۴: ۱۵۷۷). با همه این اوصاف به مرور زمان با کاهش نفوذ صوفیان در میان مردم، تکیه که مکانی مذهبی بود؛ در میان شیعیان به محلی برای برگزاری مراسم‌های مذهبی تبدیل شد. البته تاریخ دقیق اولین اجرای مجلس مذهبی شیعیان در تکیه مشخص نیست.

محله سیچان اصفهان نیز در قالب همان مفهوم سنتی محلات تاریخی طراحی شده بود. فضاهای سبز و خرم محله در کنار مادی پرآب، فضایی زیبا به این منطقه بخشیده بود و در قلب محله، تکیه مهمترین عنصر معماری و اجتماعی آن به گونه‌ای نگین مانند در میان این محله و اطراف آن خودنمایی می کرد.

در روزگاری نه چندان دور، محل فعلی تکیه بیشتر شبیه یک سه‌راهی[1] در وسط محله سیچان بود که افراد محلی برای عبور و مرور در محله از این رهگذر عبور می‌کردند. به همین دلیل مادی‌سالارها، حساب‌کتاب سالانه‌شان را با مردم در اینجا تصفیه می‌کردند(پایگاه خبری و تحلیلی و بین رسانه ای پرسون، یکشنبه ۴ مهر ۱۴۰۰).

با توجه به مادی‌های متعدد و سیراب نمودن زمین‌های کشاورزی در محلات مختلف شهر اصفهان، اداره امور آب رودخانه و تقسیم نمودن آن بین مادی‌ها از لحاظ اجتماعی و اقتصادی بسیار اهمیت داشت. در سلسله مراتب ساختار مدیریتی آب رودخانه، مادی سالارها، مأمور نمایندگان ۳۳ سهم آب رودخانه از سراسر حوضه آبخور بودند که وظیفه اداره مادی‌ها را بر عهده داشتند. هم چنین سرکشک‌ها هم برای اداره امور مادی‌های بلوک‌های تحت نظارت خویش، مادی سالار انتخاب می‌کردند.(حسینی ابری، ۱۳۷۷: ۱۰۶-۱۰۷)

۱. . در حال حاضر تکیه حالت سه راهی دارد و از سمت شمال، غرب و جنوب برای ورود ماشین و افراد پیاده معبری وجود دارد و به نوعی هم چنان نقطه اتصالی محله سیچان می‌باشد.

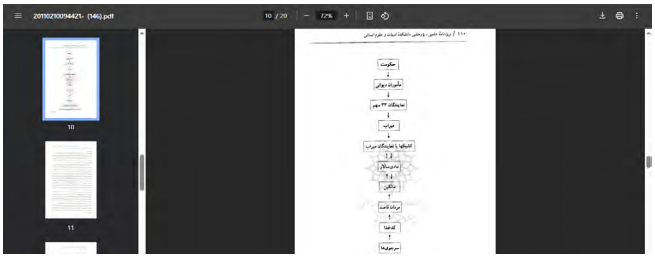

منبع: (حسینی ابری: ۱۳۷۷: ۱۱۰)

جایگاه مادی سالارها در سلسله مراتب اجتماعی محلات شهر اصفهان و نقش مهم آن‌ها در زندگی روزمره اهالی محله و تعامل گسترده با مالکین هر محله نشان می‌دهد که آن‌ها از جایگاه معتبری در شهر برخوردار بودند. به همین در گذرگاه‌های اصلی و یا میدان‌های مرکزی هر محله به تعامل با مردم می پرداختند.

یکی از دلایل تجمع افراد در این مکان‌ها مراودات اقتصادی با یکدیگر بود. این مکان در برهه‌ای از زمان به لحاظ اقتصادی مورد استفاده مردم قرار می‌گرفت که ظاهرا پس از ساخت بنای تکیه، هم چنان تعدادی از افراد برای فروش کالای خود از نقاط دیگر به این مکان می‌آمدند. دغال فروشان برای فروش محصولات خود، حدود یک هفته در این مکان مستقر می‌شدند و شترهای خود را در دهانه‌های بنا می‌خواباندند تا اجناس خود را بفروشند(صابری: ۱۴۰۰)[۱]. با گذشت زمان جنبه مذهبی این مکان بر دیگر ویژگی‌های آن غلبه یافت.

به نوعی این مکان بیشتر به میدانی محلی شبیه بود؛ که مردم در آن تجمع می‌کردند(ضمیمه روزنامه اصفهان، شماره۶، تیر۱۳۹۹). با گذشت زمان و توجه به این مکان در روزگاری نه چندان دور، مردمان زردشتی نشین[۲] محله در مهرماه به هنگام برداشت محصول در مکان فعلی تکیه، مراسمی به نشانه شکرگزاری[۳] برگزار می‌کردند. به مرور زمان با گرایش اکثریت مردم به مذهب تشیع، این مکان برای مراسم و آیین‌های مذهبی مورد استفاده قرار می‌گرفت(پایگاه خبری و تحلیلی و بین رسانه ای پرسون، یکشنبه ۴ مهر ۱۴۰۰).

۱-۱-۴. معماری تکیه سیچان

متأسفانه بانی و زمان ساخت دقیق تکیه سیچان مشخص نیست. با این وجود بر اساس شواهد، تکیه سیچان یادگاری از اواخر دوره قاجار می‌باشد(ضمیمه روزنامه اصفهان، شماره۶، تیر۱۳۹۹). ظاهرا در اواخر دوره قاجاریه، تکیه در مساحتی حدود ۶۶۰ مترمربع ساخته می شود(پایگاه خبری و تحلیلی و بین رسانه ای پرسون، یکشنبه ۴ مهر ۱۴۰۰). بررسی بنای تکیه، وجود یک میدان در گذشته

۱. با توجه به عمق کم دهنه‌ها به احتمال زیاد شترها روبه روی دهنه‌ها مستقر می‌شدند.
۲. تا دوره صفویه، تعداد زیادی از زردشتیان به خصوص در محله‌های جنوبی رودخانه اقامت داشتند که احتمالا زمان مورد نظر نویسنده ،مربوط به همین دوران می‌باشد.
۳. . با احتمال زیاد منظور جشن مهرگان می‌باشد.(در دوره‌های مختلف در زمان گوناگون ۱۰ یا ۱۶ مهرماه برگزار می‌شده است)

را تأیید می‌کند. دور میدان را بنایی یک طبقه احاطه کرده که در دیوارهای آن، دهانه‌هایی برای استراحتگاه مردم و فعالیت‌های آن‌ها تعبیه شده بود. دهانه‌های طاقچه مانند تکیه، عمق زیادی ندارند که ظاهرا برای استراحت موقت و برگزاری مراسم‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. ایجاد سه دهنه ورودی، در جهت شمال، غرب و جنوب تکیه برای رفت و آمد مردم، هم چنان این مکان را به عنوان قلب تپنده محله حفظ می‌نمود. به مرور زمان با بزرگ‌تر نمودن معبرهای عبوری، به مانند گذشته راه اصلی دسترسی وسائل نقلیه به مرکز محله، تکیه می‌باشد.

در سال ۱۳۸۶، سازمان نوسازی و بهسازی شهر اصفهان از محل اعتبارات شهرداری منطقه۵، با صرف هزینه‌ای بالغ بر یک میلیارد ریال طی یک سال به مرمت این اثر پرداخت. متأسفانه در روند مرمت، تغییراتی در بنا داده شد. برای زیبایی بیشتر تکیه، سرتاسر کف آن، سنگ فرش گردید که با وجود زیبایی بیشتر بنا؛ اما مشکلاتی را برای برگزاری تعزیه‌ها ایجاد کرده است. هم چنین در روند مرمت، پنجره‌هایی آجری خشت و گلی ممتدی در بالای دیوار تکیه ایجاد شد که ظاهر بنا را به طور کلی تغییر داده است (پایگاه خبری و تحلیلی و بین رسانه ای پرسون، یکشنبه ۴ مهر ۱۴۰۰). درواقع پیش از مرمت، طبقه بالای تکیه به صورت ساده و بدون الحاقاتی ساخته شده بود. نکته جالب مرمت، استفاده از کاهگل در تمامی بخش های بنا می‌باشد که ظاهر قدیمی را حفظ نموده است.

در یکی از اتاق های تکیه، سنگ آب قدیمی زمان صفویه نگهداری می شود. جنس آن از ریگ می باشد. اهالی محله حدود شصت الی هفتاد سال پیش این سنگاب را از زیر بازارچه سیچان با اسب و گاری به این مکان منتقل کردند. بر اساس نوشته روی سنگاب که به خوبی نام الله وردی خان دیده می شود؛ آن را متعلق به موقوفه وی می دانند(پایگاه خبری و تحلیلی و بین رسانه ای پرسون، یکشنبه ۴ مهر ۱۴۰۰). سنگ آب موجود بسیار شبیه به سنگ آب های مسجد جامع می باشد(روشن: ۱۴۰۰). اهتمام به جابه جایی سنگ آب قدیمی و حمل آن تا این مکان، نشان از جایگاه بالای این تکیه در میان اهالی محل بود.

در حال حاضر این مکان به عنوان مرکز اصلی عزاداری اهالی محله سیچان در ماه های محرم و صفر به حساب می آید. برای این امر به روی تکیه پوش بسیار بزرگ و زیبایی نصب می شود و در دهه محرم پذیرای عزادارن امام حسین(ع) از خود سیچان و دیگر محلات اطراف می باشند. نکته جالب در خصوص اهمیت تکیه، وجود مسجد حاج صدرا در نزدیکی آن می باشد که با این وجود شاخص عزاداری مذهبی در تکیه برگزار می شود. در طول سال نیز به مانند گذشته هر روز تعدادی از اهالی محل در حجره های کوچک می‌نشینند و با یکدیگر گفت و گو می کنند.

این مسائل نشان می‌دهد که اهمیت میدان یا مرکز در طی سالیان متمادی برای اهالی محله سیچان باعث گردید که تکیه بزرگی برای برگزاری مراسم های عزاداری آن‌ها نیز بنا گردد که وجه مذهبی نیز به آن داده شود.

۴-۲. مسجد حاج صدرا

در جهت شرقی محله و نزدیک تکیه سیچان، مسجد با صفای حاج صدرا قرار داد. مسجد دو درب یکی در جهت شرقی و جنوبی دارد. نمای سردر درب جنوبی، به مانند اکثر مساجد امروزی می‌باشد.[۱] از بیرون درب، حوض سنگی حیاط مسجد خودنمایی می‌کند. حیاط مسجد با وجود کوچکی، اما صفای معنوی خاصی برای نمازگذاران و عزادان دارد. در جبهه غربی حیاط، کتابخانه و در سمت شمالی آن شبستان کوچکی خودنمایی می‌کند که به دو قسمت زنانه و مردانه تقسیم شده است. هم چنین در بدنه دیوار جنوبی حیاط، در کتیبه کاشی کاری به رنگ آبی، اسامی شهدای محله سیچان در دفاع مقدس به یادگار ثبت شده است.

اما ویژگی خاص این مسجد درب شرقی آن می‌باشد. با وجود اینکه تزئینات و کاشی کاری سردر درب شرقی بنا در سال ۱۳۳۲ خ طراحی و ایجاد شده؛ اما یادآور معماری دوره قاجاری می‌باشد. در دو طرف درب، تاقچه‌هایی به سبک مساجد قدیمی تعبیه شده که جلوه خاصی به بنا داده است. اهمیت و موقعیت مرکزی این مسجد در محله سیچان را می‌توان از وجود مغازه‌های متعدد در اطراف آن و هم چنین بنای پاساژی در شرق آن متوجه شد. این محدوده با وجود ارتباط محله با خیابان‌های مدرن اطراف، همچنان وجه اقتصادی خویش را برای مردم محله حفظ نموده و احتیاجات روزمره آن‌ها را برطرف می‌نماید.

روبه روی مسجد در جهت جنوبی شرقی آن، مغازه کشاورز را خراب و کیوسک تلفن را برداشته (ضمیمه روزنامه اصفهان، شماره۶، تیر۱۳۹۹) و به یادبود شهدای محله سقاخانه‌ای بنا شده که توجه رهگذران را برای لحظاتی به خود جلب می‌کند و حس معنوی خاصی را به آن‌ها القا می‌کند.

۴-۳. آتشکده زدشتی

در جبهه شمالی محله سیچان، جایی که در زمان صفویه بخشی از آن به ارامنه تعلق گرفت؛

۱. . متأسفانه در اقدام خیر شهرداری سردر زیبای مسجد و بخشی از بدنه مسجد برای عریض نمودن کوچه تخریب گردید.

آتشکده زردشتیان وجود دارد. نیایشگاه فعلی در محلی به نام آتشگاه آدریان و یا « درِ مهـرِ گوهر و مهربان » در سال ۱۳۶۷ خورشیدی با موقوفه‌ای توسط شادروانان رستم مهربان مهربانی» و «گوهر بهرام گشتاسب پور» ساخته شد. بنای این اثر خود گواه حضور زردشتیان در سالیان دور در این منطقه می‌باشد. در حیاط بنا، بر روی تابلویی کاشی، نام خیرین این مکان به یادگار حفظ شده است

سازندگان بنا در طراحی آن از معماری دوره هخامنشی بهره برده‌اند. درب ورودی ساختمان منقش به دو انسان بالدار سنگی می‌باشد که به مانند دروازه همه ملل پارسه ساخته شده است. دورتا دور سالن برای مراجعین و عبادت کنندگان صندلی چیده شده و آتش مقدس زردشتیان در انتهای سالن در اتاقک سنگی با پنجره‌های شیشه‌ای قرار گرفته است. تابلوی بزرگی در سالن حضور اشوزرتشت را در بارگاه پادشاه در حال ارشاد وراهنمایی نشان می‌دهد. در گوشه درب خروجی سالن، کتابخانه، تابلواعلانات وجود دارد. همچنین در گوشه‌ای اتاقی برای موبد تهیه شده است(رسانه مجازی نگاه: فروردین ۱۳۹۷).

۴-۴. مکتب خانه

در بخش شمالی محله، در کوچه‌ای که به خیابان نظر شرقی فعلی می‌رسد؛ کنار مادی شایج، خانه اصلانی[1] قرار داشت که روزگاری به عنوان مکتب خانه از آن استفاده می‌شد. به مرور زمان این ساختمان مرمت و به خانه مسکونی شماره بیست تبدیل شد (ضمیمه روزنامه اصفهان، شماره۶، تیر۱۳۹۹). این مکان از این رو در روزگاری اهمیت داشت که در مکتب خانه که به گستردگی مدارس نبودند؛ یکی از مباحث اصلی تدریس دروس دینی بود که این مسئله موجب اهمیت این مکان ها در میان اهالی محل بودند.

۱.. اصانی هم گفته می‌شود.

۵- محله پاچنار

نام محله پاچنار اصفهان نیز از درختان قطور و کهنسال چنارهای آن گرفته شده بود. دو درخت چنار محله، در گذشته میان مردم از معروفیت و احترام خاصی برخوردار بودند. قطر درخت روبه روی مسجد کوچک به سه متر و نیم الی چهارمتر می‌رسید. متأسفانه به مرور زمان این چنار، پوک و از درون خالی می‌شود (صابری، ۱۴۰۰). بزرگی این درخت شبیه درخت چنار خیابان میرزاطاهر بود (میرفروغی،۱۴۰۰). درون خالی این درخت، محل بازی و مأمنی برای بچه‌هادر گذشته بود (گل افشان، علی : ۱۴۰۰). سرانجام در حدود سال‌های ۶۲ یا ۶۳ پس از انقلاب اسلامی، درخت چنار روبه روی مغازه چینی فروشی آقای گل افشان، علی به دلیل خشک شدن، بریده می‌شود و درخت چنار روبه روی مسجد برکت و کنار سقاخانه قدیمی نیز بر اثر خشک سالی خشک می‌گردد[۱](صابری، ۱۴۰۰). برگ‌های این درخت برای مردم محله اهمیت زیادی داشت، به صورتی که بقال‌ها تکه‌های پنیر و غیره را درون برگ درخت چنار می‌گذاشتند و دست مشتری می‌دادند (لیمویی، ۱۴۰۰). این درخت پس از انقلاب، به دلیل تعریض کوچه بریده می‌شود (صابری، ۱۴۰۰؛ لیمویی، ۱۴۰۰). متأسفانه هیچ اثری از این دو درخت وجود ندارد.

۵-۱. عناصر اصلی محله پاچنار[۲]

عناصر اصلی محله پاچنار نیز به مانند سایر محلات اصفهان از وجود مادی، مکان‌های مقدس شکل یافته بود که هر کدام از آن‌ها در شکل یابی هویت مردم آن منطقه تأثیر بسیار زیادی داشت.

۵-۱-۱. میدان عام رجب[۳] یا عمو رجب

در کنار مسجد و حمام قدیمی پاچنار که هسته اصلی محله را تشکیل می‌دادند؛ میدان عمو رجب، قلب تپنده پاچنار به حساب می‌آمد. این میدان در سمت جبهه غربی محله، متمایل به جنوب غربی آن و سمت چپ حمام قدیمی قرار داشت؛ جایی که در حال حاضر به جای آن، استخر، باشگاه، ساختمان کانون و تعدادی مغازه ساخته شده است. در این محل تکیه‌ای[۴] ساختند که زمان احداث آن به دوره حکومت سلاطین قاجار باز می‌گشت و مراسم مذهبی محرم و صفر را برگزار می‌کردند. در کنار امور اقتصادی و مذهبی، حتی جوانان محل در این مکان به ورزش می‌پرداختند و به نوعی تمام اتفاقات اجتماعی، فرهنگی و تجاری در این میدان صورت می‌گرفت(صابری، ۱۴۰۰).

۵-۱-۲. مسجد برکت پاچنار

در سمت جنوبی میدان عمو رجب در کنار حمام، مسجد قدیمی پاچنار قرار داشت(لیمویی،

۱.زمان خشک شدن هیچ کدام از درخت ها مشخص نیست.
۲.محله پاچنار بر خلاف بسیاری از محلات دیگر، دروازه‌ای برای عبور و مرور نداشت. علت این امر را باید در امن بودن تقریبی محله دانست. به دلیل اینکه اکثریت افراد آن، بومی‌های ساکن محله بودند و با یکدیگر آشنایی داشتند، احتیاجی به ساخت دروازه و نظارت بر عبور و مرور وجود نداشت (صابری: ۱۴۰۰).
۳.در بین تعدادی از اهالی محل به میدان عام رجب معروف بود (گل افشان، علی، ۱۴۰۰).
۴.متأسفانه اطلاعاتی در خصوص این تکیه به دست نیامد.

۱۴۰۰). این مسجد نام خود را از درخت چنار محله گرفته بود (گل افشان، علی، ۱۴۰۰). بر اساس شواهد و آثار باقی مانده در محله، قدمت مسجد[۱] به دوره قاجاریه باز می‌گشت. در حال حاضر این مسجد محل اصلی تجمعات مردمی می‌باشد که به نماد محله پاچنار تبدیل شده است.[۲]

این مسجد پیش از بازسازی با تمام سادگی و بی پیرایگی محلی برای نمازگران بود، به طوری که مردم تابستان‌ها در طبقه همکف نماز می‌خواندند و در زمستان‌ها در شبستان به نماز می‌ایستادند. کف شبستان را با حصیر و روی آن را با گلیم پوشانده بودند تا نمازگزار سرمای کمتری احساس کند. معمولا همه مراسم‌های مذهبی و سنتی مردم در مسجد برگزار می‌شد و محل تجمع و گردهمایی آن‌ها به حساب می‌آمد (صابری، ۱۴۰۰).

از جمله رسوم محله پاچنار در ارتباط با آداب تشیع و خاکسپاری است. از آنجا در مذهب همراهی کردن صاحبان عزا و میت سفارش شده، بنابراین برای مطلع کردن همسایه و هم محله‌ای‌ها، به دنبال مرگ شخصی، متولی مسجد به درخواست نزدیکان متوفی، درب مسجد فرشی پهن می‌کند تا سایرین با دیدن آن مطلع شوند و در مراسم تشیع شرکت کنند. این سنت حسنه خوشبختانه همچنان در محله پاچنار پابرجا است (روشن: ۱۴۰۰؛ گل افشان، علی، ۱۴۰۰).[۳]

در یک بعد زمانی به دلیل غرق شدن تعدادی از جوانان محله پاچنار در رودخانه زاینده‌رود و حوادث ناگوار دیگری که منجر به قربانی شدن برخی از اهالی محل شده بود؛ تعداد زیادی از اهالی محل تصمیم به دادن صدقه و دادن نذورات گرفتند. بنابراین برای سلامتی سایر جوانان محله، در حدود ۷۰ تا ۸۰ دیگ آش شله قلمکار با مشارکت جمعی اهالی محل بر پا می‌کنند. محل پخت این نذری در کنار جوی آب نزدیک بقعه بود. متولیان پس از نماز صبح - حوالی پنج صبح - دیگ‌ها را بار می‌گذاشتند و سپس بین اهالی محل و سایر محلات همجوار توزیع می‌کردند. این رسم محله پاچنار در اصفهان شهرت یافت تا جایی که مردم بسیاری از محلات مجاور برای گرفتن آش می‌آمدند. این رسم پاچنار، الگویی برای محلات اطراف دیگر از جمله سیچان شد. با شروع جنگ، سبک نذری دادن به این شکل عوض شد و سعی اهالی بر این بود که کمک‌های خود را به جبهه‌های جنگ بفرستند (میرفروغی، ۱۴۰۰).

علاوه بر اجرای مراسم‌های مذهبی و سنتی در مسجد برکت، میدان عمورجب نیز میزبان برخی از مراسم‌های مذهبی و حتی اعیاد مذهبی بود. تا زمان برپایی میدان، تعزیه‌ها در این مکان برگزار می‌شد. اما مراسم روضه‌خوانی، در هر دو مکان حدود ۱۵ شب برگزار می‌شد و دسته‌های عزاداری به فعالیت می‌پرداختند. ازدحام جمعیت به اندازه‌ای بود که مردم عزادار برای شرکت در مراسم حتی کنار مادی می‌نشستند (لیمویی، ۱۴۰۰). در حدود دهه ۱۳۲۰ شمسی، در مسجد پاچنار رسم قمه‌زنی وجود داشت (مظاهری: ۱۴۰۰). برای مراسم تاسوعا و عاشورا یک چادر خیلی بزرگ برپا می‌شد و در زیر آن آش نذری را می‌پختند (روشن: ۱۴۰۰). در دوره رضاشاه به دنبال ممنوعیت عزاداری، میزان حجم عزاداری‌ها بسیار کم گردید. در دوره پهلوی دوم حاج آقا قوامی امورات مذهبی مسجد را بر عهده داشت(حیدری: ۱۴۰۰).

۱.. معماری مسجد به صورت طاق و چشمه‌ای بوده است.

۲. . سنت‌های مذهبی محله در بخش مذهبی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. . در خصوص قبرستان‌های پاچنار پیش از این صحبت شد.

۳-۱-۵. مکتب خانه یا مسجد کوچک

در فاصله ۱۰۰ متری مسجد برکت، سمت شرق محله و شمال مادی، مکتب خانه یا مسجد کوچک قدیمی وجود دارد. ظاهرا قدمت آن به اواخر دوره قاجاریه باز می‌گردد (صابری، ۱۴۰۰) که به مرور زمان تغییرات زیادی در بنا و اطراف آن داده شده است. علاوه بر نمازخواندن افراد بومی محل، دهقانانی که از سر کار می‌آمدند، برای راحتی در این اتاق نماز می‌خواندند. هم‌چنین کسانی که از راه دور می‌آمدند و جایی برای استقرار نداشتند، شب را در این مکان سپری می‌کردند و مردم محل هریک برای پذیرایی و آسایش آن‌ها وسیله‌ای را فراهم می‌کرد (گل افشان، علی،۱۴۰۰). در حال حاضر شیر آبی برای استفاده عموم مردم در دیوار آن تعبیه شده است.

۴-۱-۵. سقاخانه روبه روی مادی

سقاخانه در معماری سنتی ایرانی به فضای کوچکی در معابر عمومی اطلاق می‌شد که اهالی و کسبه برای آب دادن به رهگذران تشنه احداث می‌کردند. سقاخانه‌ها معمولا ظروف سنگی بزرگ و یا کوزه‌های سفالی بزرگی بودند که آب آشامیدنی در آنها ریخته می‌شد و پیاله‌هایی با زنجیر به آن‌ها می‌بستند. سقاخانه‌ها در ابتدا جنبه خدماتی داشتند و بانیان آن به منظور ثواب بردن اقدام به ساخت و نگهداری آنها می‌کردند. برخی سقاخانه‌ها دائمی بودند و برخی دیگر در زمان‌های خاص به ویژه هنگام عزاداری محرم برپا می‌شد. معمولا برای آگاهی دادن و روشن کردن مسیر رهگذران در شب، شمع‌هایی در اطراف سقاخانه تعبیه و روشن می‌شد، البته بعد از گذشت زمانی این سنت جنبه مذهبی پیدا کرد و کسانی که نذوراتی داشتند، شمع‌هایی را در سقاخانه‌ها روشن می‌کردند و چراغ‌های زیبا و نفیس تحت عنوان «چراغ لاله» از جنس کریستال و چینی به این سقاخانه‌ها اهدا می‌کردند. در برخی از این سقاخانه‌ها حتی عریضه‌ها و طومارها، دعاهای مذهبی و طلسم یافته می‌شد.

اما پس از اشاره به کارکرد سقاخانه‌ها، در ارتباط با سقاخانه محله پاچنار را از زبان اهالی محله می‌شنویم: « سقاخانه پاچنار مقابل مادی محل و کنار سوپر آقای بناکار واقع شده است و از جمله آثار قدیمی محله می‌باشد. این سقاخانه هم چنان محلی برای نوشیدن آب و روشن کردن شمع مردم می‌باشد، دارای کاشی‌های رنگی زیبایی است و در حدود دویست سال قدمت دارد و بسیار مورد توجه اهالی است[۱](صابری و میرفروغی، ۱۴۰۰). حتی در کنار آن یک چا آب وجود داشته که روی آن پوشانده شده است.

۵-۱-۵. سقاخانه

روبه روی ضلع شرقی مسجد برکت، در کنار مادی و درخت چنار معروف آن نیز سقاخانه‌ای قرار داشت که برای تعریض کوچه حدود سال‌های شمسی ۱۳۶۲-۶۳ خ تخریب گردید.[۲]

۱. . ظاهرا تغییرات و تعمیرات زیادی در سقاخانه انجام شده است.
۲. همانطور که ذکر شد، دلیل تخریب آن، تعریض کوچه و صاف نمودن راه بوده است.

۶-۱-۵. بقعه

در کنار مسجد برکت[۱]، نزدیکی جایی که مردم لباس‌هایشان را می‌شستند، ظاهرا شخصی سید (تیموری: ۱۴۰۰) یا دو نفر عالم(لیمویی، ۱۴۰۰) به خاک سپرده شده بودند که مزار آن‌ها به بقعه نزد مردم معروف بود. به دلیل ایجاد فضای معنوی، زمین‌های این منطقه برای مردم تقدس زیادی داشت و به محلی برای نذر و نیاز مردم تبدیل شده بود (تیموری: ۱۴۰۰؛ لیمویی، ۱۴۰۰). در بقعه یک غسالخانه برای غسل و کفن مردگان محل وجود داشت(تیموری: ۱۴۰۰). ظاهرا هنوز آثار یک قبر در یکی از خانه‌های آن اطراف وجود دارد(گل افشان، علی، ۱۴۰۰).

۷-۱-۵. قبرستان

قبرستان محله سیچان و پاچنار در خیابان قزلباش[۲] تا خیابان شریعتی بود که تا پیش از دفن مردگان در تخت فولاد، مورد استفاده مردم محلی بود. در قدیم هر محله‌ای برای خودش یک قبرستان کوچک داشت و معمولا علما و فضلا را در تخت فولاد دفن می‌کردند(میرفروغی، ۱۴۰۰). قبرستان در میان اهالی محل به مهرقون معروف بود. در واقع همان مهرگان بود که اهالی مهرقون تلفظ می‌کردند(لیمویی، ۱۴۰۰). به مرور زمان با عدم دفن مردگان و فراموشی نام آن‌ها، قبرستان از بین رفت و به جای آن مدرسه مرتضی معرفت ساخته شد(میرفروغی، ۱۴۰۰؛ لیمویی، ۱۴۰۰). از آن قبرستان تنها بقعه‌ای صد و پنجاه ساله در محله قزلباش باقی مانده است. در این مکان شخصی به نام سید محمود به خاک سپرده شده که مقبره وی نشان از روزگار گذشته این محله و اصفهان دارد(تیموری: ۱۴۰۰). مقبره با فنس‌های سبز رنگ از محوطه کوچه جدا شده و چند درخت در آن وجود دارد.

۱. ضلع شمالی مسجد، روبه روی درب کوچک آن.
۲. شهید موحدنیا فعلی.

نتیجه گیری

محله‌های اصیل اصفهان نه صرفاً به عنوان واحدهای کالبدی سکونت، بلکه به مثابه نظام‌های اجتماعی زنده و چندلایه قابل تحلیل‌اند که در آن عناصر طبیعی، مذهبی و فرهنگی در هم تنیده‌اند. مادی‌ها، به‌عنوان شریان‌های حیاتی و محورهای سامان‌دهنده‌ی فضا، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد تداوم زیستی و هم‌پیوندی میان خانه‌ها و فضاهای عمومی ایفا می‌کردند. پیرامون این مادی‌ها، باغ‌ها و جلوه‌های طبیعت سرسبز قرار داشتند که علاوه بر کارکرد زیست‌محیطی، به غنای بصری، آسایش اقلیمی و پویایی اجتماعی محله می‌افزودند. این عناصر طبیعی در پیوندی ارگانیک با نهادهای فرهنگی و مذهبی همچون مسجد، حمام و تکیه قرار می‌گرفتند که هریک کارکردی متفاوت، اما مکمل در ساختار اجتماعی محله داشتند: مسجد به‌عنوان مرکز معنویت، آموزش و تصمیم‌گیری‌های جمعی و تکیه به‌عنوان پایگاه عزاداری، همبستگی و بازتولید هویت دینی.

ترکیب این عناصر، موجب شکل‌گیری نظمی اجتماعی شد که در آن، نیازهای مادی و معنوی در چارچوبی واحد پاسخ داده می‌شد. بدین‌ترتیب، محله‌های سنتی اصفهان توانستند نوعی تعادل پایدار میان طبیعت، دین و جامعه برقرار کنند که از منظر نظریه‌ی سرمایه اجتماعی، موجب تقویت پیوندهای اعتماد، مشارکت و همیاری در میان ساکنان گردید. این ساختار، علاوه بر ایفای نقش در مدیریت منابع و مناسبات روزمره، زمینه‌ساز بروز کنش‌های جمعی در عرصه‌های گسترده‌تر، از جمله فعالیت‌های مذهبی، خیریه‌ای فراهم کنند. از این رو، محله‌های اصیل اصفهان را می‌توان نمونه‌ای ممتاز از پیوند میان فضای کالبدی و شبکه‌ی روابط اجتماعی دانست که در پرتو ارزش‌های دینی و فرهنگی شکل گرفته است. در این الگو، مسجد و تکیه همچون دو محور معنوی و ارتباطی، مادی و باغ نیز همچون دو عنصر طبیعی و زیست‌محیطی، در کنار یکدیگر بستری برای شکل‌گیری و تداوم حیات جمعی فراهم کرده‌اند. چنین پیوندی نشان می‌دهد که کالبد محله نه صرفاً ظرفی برای زیست، بلکه تجسمی از فرهنگ، ایمان و سرمایه اجتماعی مردمان آن است؛ سرمایه‌ای که در تداوم تاریخی خود، توانسته به انسجام، مقاومت و هویت پایدار شهری معنا ببخشد.

کتاب‌نامه

افشار، ایرج (۱۳۸۰). ***دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی***، ج۳، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

اکبری، جواد و فاطمه قاسمی (۱۴۰۲). «جایگاه مساجد در هویّت بخشی به محلات و فضای شهری»، ***فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای***، ۴(۱)، صص: ۲۹-۱۹.

پیربابائی، محمد تقی و ولی لله ربیعی فر (۱۳۹۷). «تبیین نقش مساجد در ارتقاء سطح کیفیت زندگی ساکنین محلات شهر ایرانی- اسلامی (مطالعه موردی: مسجد حسینیه اعظم، در محله حسینیه شهر زنجان)»، ***جغرافیا و توسعه فضای شهری***، ۵(۲)، صص: ۱۲۵-۱۰۵.

تاجی، محمد و محیا قوچانی (۱۳۹۹). «تبیین نقش فرهنگی مسجد در توسعة هویت اسلامی و ارتقاء پایداری اجتماعی محله (نمونه موردی: مسجد امام سمنان)»، ***دوفصلنامه علمی و پژوهشی دین و سیاست فرهنگی***، ۷(۲)، صص: ۲۱۴-۱۸۹.

توسلی، محمد (۱۳۶۶). ***حسینیه‌ها، تکایا، مصلی‌ها در معماری ایران دوره اسلامی***، ج ا، به کوشش محمدیوسف کیانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حسینی ابری، سید حسین (۱۳۷۷). «مدیریت سنتی آب زاینده رود، بحثی در دانش بوی ایران»، ***مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان***، دوره دوم، ۴(۳)، صص: ۱۰۱-۱۲۰.

بلوکباشی، علی (۱۴۰۲). «تکیه»، ***دایره المعارف بزرگ اسلامی***، ج ۱۶، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی.

پیربابایی، محمدتقی و ولی الله ربیعی فر (۱۳۹۷). «تبیین نقش مساجد در ارتقاء سطح کیفیت زندگی ساکنین محلات شهر ایرانی- اسلامی (مطالعه موردی: مسجد حسینیه اعظم، در محله حسینیه شهر زنجان)»، ***مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری سال پنجم پاییز و زمستان***، ۲(۹)، صص: ۱۰۵-۱۲۵.

درهوهانیان، هاروتون (۱۳۷۹). ***تاریخ جلفا اصفهان***، ترجمه لئون. گ. میناسیان و م.ع. موسوی فریدنی، اصفهان: نشر زنده رود با مشارکت انتشارات نقش خورشید.

شاردن، ژان (۱۳۷۲). ***سفرنامه شاردن***، ج۴، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.

شریف، یوسف (۱۹۸۲). ***تاریخ فن‌العمارةالعراقیة فی مختلف‌العصور***، بغداد: بی نا.

شفقی، سیروس (۱۳۷۹). «اصول شهرسازی اصفهان عصر صفوی»، ***فرهنگ اصفهان***، شماره ۱۵.

غریب پور، بهروز (بی تا). «تئاتر: نوشین مدیر و کارگردان تئاتر»، ***هنر***، ۳۸(۶۰)، صص: ۵۸-۶۷.

قندهاری، زهره، (۱۳۹۹). «سیچان در گذر تاریخ»، ***ضمیمه روزنامه اصفهان زیبا***، ش ۶، تیر ۱۳۹۹.

کازاما، آکی یو (۱۳۸۰). ***سفرنامه کازاما***، ترجمه هاشم رجب زاده، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

کجباف، علی اکبر، پیمان باقری تلواژگانی (۱۳۹۶). ***دو روی سکه جایگاه صوفیان در تبادلات اداری، سیاسی و مذهبی حکومت صفویه***، اصفهان: انتشارات گلخانه.

کیانی، محسن (۱۳۶۹). ***تاریخ خانقاه در ایران***، تهران: طهوری.

نویسندگان (۱۳۹۷). «معبد زرتشتیان اصفهان»، ***رسانه مجازی نگاه***.
نویسندگان، (۱۴۰۰). «عزاداری محرم در سیچان اصفهان»، ***پایگاه خبری و تحلیلی و بین رسانه‌ای پرسون***.
هنرفر، لطف الله (۱۳۵۰). ***گنجینه آثار تاریخی اصفهان***، بی جا: بی نا.
هنرفر، لطف الله (۱۳۸۶). ***اصفهان***، تهران: شرکت انتشارات علمي فرهنگي.
(مصاحبه‌ها توسط سرکار خانم دکتر معصومه گودرزیدر سال ۱۴۰۰ انجام شده است.)
حیدری: ۱۴۰۰. روشن، ۱۴۰۰. صابری، ۱۴۰۰ گل افشان، ۱۴۰۰ لیمویی، ۱۴۰۰. مظاهری: ۱۴۰۰. میرفروغی، ۱۴۰۰. تیموری: ۱۴۰۰.

Bourdieu, P. (1986). The forms of capital. In J. Richardson (Ed.), Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education. Greenwood.

jonas wiedner, Merlin Schaeffer, and Sarah Carol, (2022), »»Ethno-religious neighbourhood infrastructures and the life satisfaction of immigrants and their descendants in Germany««, Urban Studies, Volume 59, Issue 14, 2985-3004.

Matthew R. Bennett et al,(2022), Effects of neighbourhood religious diversity and religious and national identity on neighbourhood trust««, Group Processes & Intergroup Relations, Volume 25, Issue 5, 1248–1268.